

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (ور) در قوم بختیاری

علیرضا خواجه‌گیر *^۱ محسن گنجی ^۲ حسن ذوالفقاری ^۳ محمود آفاخانی پژنی ^۴

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۶)

چکیده

آیین سوگند خوردن از دیرباز تاکنون در فرهنگ و ادب به طریق گوناگون نمود یافته است. در این پژوهش به تحلیل نمودهای آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌پردازیم. سوگند به آتش، اجاق آش، تیغه آفتاب، آب روان، نان‌ونمک، زمان، جان عزیزان و اموات از مهم‌ترین جلوه‌های سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری است. اهمیت سوگند خوردن در نزد این قوم، آخرین راهکار برای اثبات درستی کلام و تشخیص درستکار از نادرستکار است. در این پژوهش، ضمن بررسی انواع سوگند در قوم بختیاری، برآئیم تا نمودهای ادبی و جنبه‌های اساطیری آن‌ها را تحلیل و بررسی کنیم. این پژوهش به‌شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به‌روش تحلیل محتواهای کیفی انجام شده است. پس از بررسی منابع گوناگون و تحلیل نمودهای ادبی و اساطیری سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌توان گفت که بسیاری از نمودهای آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری بازمانده آیین‌های سوگند خوردن در ایران باستان است. همچنین، سوگند به آتش، نان‌ونمک، زمان، آب روان، آفتاب و جان عزیزان از

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول).

*a.khajegir1350@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات معاصر دانشگاه شهرکرد.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۴. دانش آموخته دکتری ادبیات حمامی دانشگاه اصفهان

مهم‌ترین و رایج‌ترین نمودهای سوگند در نزد این قوم است که جنبه‌های ادبی و اساطیری بسیاری دارند. سوگند خوردن در نزد این قوم برای اثبات درستی کلام و تشخیص حق از باطل است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، قوم بختیاری، بن‌مايه‌های اساطیری، آیین وَر، سوگند خوردن.

۱. مقدمه

از آیین‌های دادرسی از دیرباز تاکنون، نزد قوم بختیاری، آیین سوگند خوردن است. آیین سوگند خوردن نزد این قوم، از جمله آزمون‌های تشخیص درستکار از نادرستکار است که سابقه‌ای طولانی دارد و به ایران باستان و ماقبل آن می‌رسد که «در میان آریایی‌ها مشترک بوده است و در آن، بی‌گاه از گناهکار طی برگزاری آیین ویژه‌ای تشخیص داده می‌شده است» (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۵۸). این آیین در ایران باستان انواع متنوعی دارد که در اوستا و دیگر متون به زبان پهلوی مانند اردامیرافنامه، دینکرد و شایست نشایست، به داستان‌های مربوط به آن اشاره کرده‌اند. از مهم‌ترین انواع سوگند در ایران باستان می‌توان به «گُمک وَر» (ور گرم)، «بَرَسَمَك وَر» (ور با بَرَسَم)، وَر «روغن»، وَر «دستان سرشار»، وَر «شیره گیاه» وَر «پاورو خوران» (خوردن آب گوگرد) اشاره کرد (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۵).

انتخاب قوم (یا ایل) بختیاری برای انجام این پژوهش به دو دلیل است: نخست بررسی میدانی در مناطقی که هنوز دست‌نخورده باقی مانده‌اند، نشان می‌دهد که باورهای اساطیری و آیینی پس از قرن‌ها همچنان زنده است و با اندکی تغییر و تحول به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین، در قوم بختیاری، با وجود کوهستان‌های صعب‌العبور، بافت اساطیری و آیین‌های کهن همچنان شکل اولیه خود را حفظ کرده و کمتر دچار تعقیر شده‌اند و دوم آنکه، قوم بختیاری یکی از قوم‌های اصیل ایرانی و از طوایف بزرگ ایران- زمین است که در حقیقت، زبانشان، همان زبان تحریف‌شده پهلوی قدیم است و از اقوامی هستند که در اعصار گذشته در این منطقه از جهان اقامت گزیده‌اند و از یک نژاد ممتاز هستند (بختیاری، ۱۳۶۲: ۵). همچنین، فرهنگ بومی آنان سرشار از بن‌مايه‌های اسطوره‌ای و آیینی است. در فرهنگ این قوم، آیین‌ها و جشن‌هایی وجود دارد که هم

ریشه در ایران باستان دارد و هم با فرهنگ اسلامی منطبق شده‌اند و امروزه به حیات خود ادامه می‌دهند (ر.ک: قنبری عدیوی، ۱۳۸۱: ۴۰).

آشنایی با برگزاری آین سوگند خوردن و بن‌مایه‌های اساطیری آن در قوم بختیاری، چگونگی استمرار نمودهای این آین از ایران باستان تاکنون و بیان چرایی انجام آن، از جمله ضرورت‌های انجام این پژوهش است. آشنایی با تحلیل انواع سوگند، کارکرد و چگونگی کیفیت نمودهای ادبی و جنبه‌های اساطیری آن در فرهنگ و ادب قوم بختیاری، هدف اصلی این پژوهش است.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نظر هدف بنیادی و از حیث گردآوری داده‌ها، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است؛ زیرا پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره نمودهای آین سوگند خوردن (ور) همراه با تحلیل بن‌مایه‌های اسطوره‌ای آن‌ها در قوم بختیاری، علاوه‌بر استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، در شیوه میدانی از روش مصاحبه با افرادی از مردمان چهارمحال و بختیاری و خوزستان در جمع‌آوری اطلاعات موردنظر استفاده کرده است.

مراحل انجام پژوهش: در این پژوهش و در گام نخست، موضوع مورد نظر با اهداف منطقی و علمی، انتخاب و در گام دوم، با بررسی ادبیات، منابع و اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، مؤلفه‌های متناسب با نمودهای آین سوگند خوردن و توجه به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای آن‌ها در فرهنگ قوم بختیاری شناسایی شد. در گام سوم، با اتخاذ رویکرد پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی، ویژگی‌ها و مقوله‌های مربوط به نمودهای آین سوگند خوردن در فرهنگ این مردمان در پژوهش استخراج و درنهایت، در گام چهارم، با ادغام و تلفیق مقوله‌های مشابه، مؤلفه مناسب تحلیل، استنتاج و مفهوم‌سازی شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری سنتی و خوانش موجی شکل (ر.ک: صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۷۵) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در ارتباط با

نمودهای آیین سوگند خوردن در فرهنگ قوم بختیاری است. شیوه گردآوری داده‌ها به دو صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه بوده است.

روش کتابخانه‌ای: در روش پژوهش، محتواهای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی - محتواهای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظاممند و طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲). تحلیل محتواهای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی؛ ولی با روش علمی تفسیر کنند. همچنین، تحلیل محتواهای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتواهای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتواهای آشکار می‌آزماید (همان، ۱۷۵).

روش میدانی: مصاحبه‌های میدانی بیشتر در روستاهای استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان درباره نمودهای آیین سوگند خوردن و نحوه برگزاری آن‌ها انجام شده است. نخست، پژوهشگر به روستاهای شهرستان‌های کوهرنگ، لردگان، اردل، ایذه، مسجدسلیمان و باغملک که کوهستانی و دارای قدامت بیشتری بوده‌اند و هنوز بافت قدیمی آنان دست‌نخورده باقی‌مانده بود، سفر کرده و داده‌های میدانی خود را درباره نمودهای آیین سوگند خوردن با مصاحبه با مردمان این قوم - که بیشتر سال‌خورده بوده‌اند - جمع‌آوری کرده است. ابتدا، پژوهشگر پرسش‌هایی مربوط به چگونگی برگزاری آیین سوگند خوردن از افراد شناسایی‌شده (۲۱ نفر) که سواد قدیمی داشتند یا مُلا خوانده می‌شدند، می‌پرسد. سپس گفتار افراد مصاحبه‌شده را ضبط می‌کند. میانگین زمان مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بوده است. در ادامه، تمام مصاحبه‌های افراد مصاحبه‌شونده را کدگذاری کرده و از گویش لری بختیاری به زبان فارسی برگردانده و مطالب مهم و مرتبط با چگونگی نمودهای آیین سوگند خوردن و نیز نحوه برگزاری آن‌ها را یادداشت‌برداری کرده است. پس از اتمام این مرحله، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته است.

جامعه آماری پژوهش: جامعه آماری این پژوهش، تعداد ۲۱ تن از ملاهای قوم بختیاری از روستاهای استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان هستند. معمولاً این ملاها خود از برگزارکنندگان آیین سوگند خوردن هستند و بیشتر بالای ۶۰ سال سن

دارند. ملاک‌های ورود برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است: آن‌ها باید از برگزارکنندگان یا شرکت‌کننده در آیین سوگند خوردن باشند، بالای ۵۰ سال سن داشته باشند و علاقه‌مند برای شرکت در پژوهش و انجام مصاحبه باشند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، از نوع هدفمند بوده است. به جای به‌دست آوردن اطلاعات از کسانی که به راحتی در دسترس قرار می‌گیرند، گاهی اوقات ممکن است ضرورت یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه‌های خاص به‌دست آورد؛ یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند؛ زیرا آن‌ها تنها افرادی هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده است، مطابقت دارند. بدین ترتیب، بر اساس قضاوت‌های پژوهشگر، افراد متخصص و خبره که در برگزاری آیین سوگند خوردن بر جسته هستند؛ یعنی ملاهای بختیاری، شناسایی‌شده و از آن‌ها مصاحبه به عمل خواهد آمد. علاوه بر روش نمونه‌گیری هدفمند در جریان مصاحبه‌ها، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای «Chain Sampeling» استفاده می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹۳). در این شیوه، با افراد مطلع مشورت می‌شود تا موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. برای پژوهش کیفی نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است؛ بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات کفايت حجم نمونه را نشان می‌دهد (همان، ۳۹۸).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌های پژوهش به صورت تحلیل محتوای کیفی و مقوله‌بندي مصاحبه‌ها انجام شده است. به‌منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه ملاک قابل قبول بودن، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان به صورت ذیل استفاده شد. در مورد ملاک قبول بودن، رونوشت مصاحبه و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب و یافته‌های ذکر شده مشخص شود. به‌منظور تأیید قابلیت اطمینان یافته‌ها، تلاش شد تا فرایندها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به پژوهش به طور مستند و روشن در متن پژوهش توضیح داده شود. در مورد ملاک تأییدپذیری نتایج، سعی شده تا با توضیح جزئیات کافی از فرایند جمع‌آوری داده‌ها، تأییدپذیری یافته‌ها (حسابرسی پژوهش) تأمین شود.

۳. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده و جست‌وجوهای کتابخانه‌ای در مجلات و سایت‌های معتبر علمی از جمله Noormags.com, sid.ir, magiran.com and irandoc.ir تاکنون درمورد آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری، مطالعات و پژوهش‌هایی انجام نگرفته است؛ اما برخی از پژوهش‌ها به آیین سوگند خوردن در فرهنگ ایران باستان، فرهنگ دیگر اقوام و متون ادب فارسی پرداخته‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. «سوگند» از ابراهیم پورداوود (۱۳۲۱). مجله مهر ایران. سال ۷. شماره ۵ و ۶. صفحات ۲۸۱ – ۲۹۲. در این پژوهش نویسنده به سوگند خوردن و نمودهای آن در ایران باستان بر اساس یشت‌های اوستا اشاره می‌کند و به دو نوع ور گرم و ور سرد پرداخته است.

۲. «سوگند و ردپای آن در ادبیات پارسی» از علی رهبر (۱۳۴۸). مجله کاوه. شماره ۲۱. صفحات ۱۲۴ – ۱۳۵. در این پژوهش نویسنده ضمن ریشه‌شناسی عمل سوگند خوردن، به چگونگی انجام آیین سوگند خوردن یا همان خوردن آب گوگرد (سئوکته) اشاره می‌کند و از متونی همچون شاهنامه نیز مثال‌هایی را ذکر می‌کند.

۳. «بررسی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران باستان» از سعید زاویه و آمنه مافی تبار (۱۳۹۲). فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. سال ۹. شماره ۳۰. صفحات ۱۰۱ – ۱۲۸. نویسنده‌گان در این پژوهش به تحلیل گذرا سیاوش و ور گرم در شاهنامه می‌پردازند. درنهایت، چنین نتیجه می‌گیرند که گذرا سیاوش از آتش نمونه‌ای از ور گرم در ایران باستان بوده است.

۴. «سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش» از دریا حیدری (۱۳۹۲). پژوهشنامه ادب حماسی. سال ۹. شماره ۱۶. صفحات ۳۵ – ۶۱. نویسنده ضمن پرداختن به آیین سوگند خوردن، به دو عنصر آب و آتش و نمودهای بازتاب داده شده از آن در شاهنامه می‌پردازند. گذرا سیاوش از آتش را نمود ور گرم و گذرا فریدون از آب را نمود ور سرد در نظر می‌گیرند.

۵. «محاکمه و داوری ور در ایران باستان» از والا تاراپور. ترجمه هاشم رضی (۱۳۶۰). مجله چیستا. شماره ۵. صفحات ۵۵۴ – ۵۷۵. نویسنده به تحلیل نمودهای آیین

ور از جمله ور گرم و سرد در ایران باستان و بر اساس یشت‌های اوستا و نیز ماجراهی گذر سیتا از آتش پرداخته است.

۶. «پژوهشی درباره آیین ور در بلوچستان» از عبدالغفور جهاندیده (۱۳۹۶). مجله فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۵. شماره ۱۶. صفحات ۱۹ – ۳۸. در این پژوهش نویسنده به چگونگی برگزاری آیین ور در میان مردمان سیستان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که سوگند به آتش و آب بیشتر معمول است. از میان ورهای گرم، سه نمونه آن متداول‌تر است: چاله‌پر از زغال افروخته و راه رفتن بر آن، در دست گرفتن فلزی سرخ و آتشین مانند نعل و درآوردن انگشت‌تری از ته ظرف پر از روغن جوشان با دست.

در این پژوهش، ابتدا از آیین سوگند خوردن و نمودهای آن در میان قوم بختیاری سخن می‌رود و سپس با استفاده از گزارش‌های انسان‌شناسان و همچنین، مشاهده‌ها و مصاحبه‌های میدانی، جنبه‌های اسطوره‌ای، باستانی و ادبی این آیین معرفی می‌شود.

۴. آیین ور یا سوگند خوردن در قوم بختیاری

«ور» در اوستا «ورنگهه» (Varangha) از ریشه «ور» به معنی برگزیدن و باور کردن و مصمم شدن (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۱)، بازشناختن، اعتقاد داشتن و کلمه «باور» فارسی از همین ریشه است (معین، ۱۳۸۴: ۱۷۷) و اصطلاحاً هم به معنای داوری یا آزمایش ایزدی (عفیفی، ۱۳۷۴: ۶۳۴) است.

ور را چنین تعریف کرده‌اند: آزمایش ایزدی است.

هرگاه در ادعای کسی در راستی یا دروغ گفتاری و شهادتش شک بود، طرف برای اثبات راستی در ادعا و گفتار، طی تشریفاتی گردن به اجرای ور می‌نهاد و با آن صحتوسقم ادعا و حقانیت در ادعا ثابت می‌شد (وندیداد، ۱۳۷۶: ۵۳۲).

آزمایش‌های متنوعی که همپتکاران^۱ (یا پیشمار و پسمار) طی آن می‌بایستی راست‌گویی خود را به اثبات برسانند و خویشتن را از تهمت بزهکاری بزدایند (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۱). دردامه، به مهم‌ترین نمودهای آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌پردازیم.

۴ - ۱. سوگند خوردن به قرآن کریم و مقدسات

قرآن در نزد قوم بختیاری دارای اهمیت بسیار بالایی است و معمولاً در آخرین راهکار به آن سوگند می‌خورند؛ اما طبق مصاحبه‌های میدانی، بیشتر معتقد‌ند که سوگند خوردن به قرآن چه حق و چه ناحق خوب نیست (کدهای ۱۸، ۱۵، ۱۱، ۲، ۱) و با توجه به آیه ۲۴۴ سوره بقره^۲ سزاوار نمی‌دانند که در همه موارد به این کتاب آسمانی سوگند بخورند. با توجه به چنین باوری در نزد این قوم، باز به این کتاب مقدس در آزمون لقمه‌گیر – که در ادامه به آن خواهیم پرداخت – سوگند می‌خورند. در موارد خاص و به خصوص در دادگاه نیز به این کتاب الهی قسم می‌خورند.

نمود دیگر از سوگند خوردن به مقدسات در قوم بختیاری، سوگند به اوستاست. آن‌ها هر چند در گذشته به این کتاب مقدس نیز سوگند می‌خورندند و چنین سوگندی برای آنان اهمیت بسیار بالایی داشته است؛ اما امروزه سوگند خوردن به اوستا در نزد این قوم دیگر نمودی ندارد. جالب آنکه در برخی از روستاهای دورافتاده در شهرستان‌های لردگان و کوهنگ سوگند خوردن به اوستا و بیشتر از سوی پیرزنان و پیرمردها هنوز هم رایج است.

سوگند به امامان و امامزاده‌ها از دیگر نمودهای سوگند خوردن نزد قوم بختیاری است. در چنین مواردی بیشتر علاوه بر زبانی، عملی بوده است که به‌رسم آن‌ها اشاره می‌کنیم. برای مثال، وقتی شخصی میزانی هیزم در کوه جمع می‌کند، تعداد هفت‌سنگ از بزرگ به کوچک بر روی آن‌ها می‌گذارد و این مال را به یکی از امامان یا امامزاده‌ها واگذار می‌کند. این عمل می‌تواند در مورد سنگ، کاه، علوفه و یا هر چیز دیگری باشد. چنین عملی نزد قوم بختیاری را «کلکله برد» (kelkeleh bard) گویند (کد ۱۳). افراد با دیدن چنین سنگ‌هایی دیگر جرئت دست زدن به آن مال را ندارد؛ زیرا معتقد‌ند که هر گونه تجاوز به این سوگند عذابی سخت برای آنان به همراه دارد (کدهای ۱۴، ۱۳). از نمودهای سوگند «کلکله برد» چنین است:

«کلکله بردش کردم به حضرت علی^(ع)»

kelkeleh bardesh kardom fi hazrate ali

برگردان: «واگذارش کردم به حضرت علی^(ع)».

طبق مصاحبه‌ها و مشاهده‌های میدانی، نکته مهم چنین است که سوگند «کلکله بَرَد» بیشتر به امامزاده‌هایی که قبرشان در محل زندگی آنان است و همچنین، حضرت علی^(ع) و حضرت ابوالفضل^(ع) است (کدهای ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۵). سوگند به شهیدان نیز در میان مردمان بختیاری، امری بسیار رایج است و بیشتر از سوی زنان انجام می‌گیرد.

۴ - ۲. سوگند به آتش و اجاق آن

آتش به عنوان عنصری طبیعی از دیرباز تاکنون نزد بختیاری‌ها دارای اهمیت فراوانی است و دارای دو وجه کارکردی است: نخست. کارکرد مثبت. در بختیاری‌ها هرگاه زوجی جوان قصد ازدواج دارند، خرم‌منی از آتش فراهم می‌کنند و پس از برافروختن آن، عروس را به گرد آتش می‌چرخانند؛ زیرا «معتقدند که حرمت آتش سبب زایایی زنان و باروری عروس می‌شود و اهریمن نازایی از گرد او می‌گریزد» (کد ۱۵). از سوی دیگر نمادی از زایش نور و افزون شدن نیروهای نور علیه ظلمت قلمداد می‌شود.

زوج پس از آنکه به خانه‌ای مستقل می‌روند، چاله‌ایی در بهترین نقطه خانه یا سیاه‌چادر انتخاب و آتشدان یا همان چاله را در آن نقطه برقرار و آتش را روشن می‌کنند، به نشان آنکه اهریمن به گرد بام این خانه نجرخد (کدهای ۱۵، ۱۶، ۹، ۴).

از سوی دیگر هیچ‌گاه در شب اجازه نمی‌دهند که آتش از محیط خانه خارج شود و اگر کسی بعد از غروب آفتاب به قصد تهیه آتش نزد همسایه برود، دست‌حالی بر می‌گردد؛ زیرا «معتقدند آتش به عنوان بخشی از حیات و زندگی این خانواده در تیرگی شب مورد تازش نیروهای اهریمنی واقع می‌گردد» (کدهای ۱۲، ۱۵، ۹، ۳). آنان «تیرگی را مظہر اهریمن می‌دانند و نیز خاموشی آتش را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌کنند، به ویژه معتقدند که آتش را نباید با آب خاموش کرد؛ زیرا معتقدند که دو عنصر برگرفته از نور نباید به ستیز برخیزند» (کد ۲۱، ۲۰)

«او به چاله ریز»

awe be chaleh riz

برگردان: «آب درون چاله (اجاق) ریختن».

فردی خاطی و نالایق بوده که نوعی گستت و ناتوانی در عملکرد او بوده است (کدهای ۱۹، ۱۰، ۹).

همچین، از آنجا که آتش نماد و تجسم خانواده محسوب می‌شود در بین بختیاری‌ها مردها به منزله سمبل و نشان هر خانواده به شمار می‌آیند و اگر مردی صاحب پسر نمی‌شود او را «اجاق‌کور» می‌گویند (کدهای ۲۱، ۱۴، ۱۱۸)؛ زیرا معتقدند که مردها عامل برپادارنده آتش در خانواده هستند و فردی که فاقد فرزند پسر باشد، آتش در خانواده‌اش پایدار نخواهد ماند. در مصاحبه با چند تن از مردم بختیاری چنین دریافتیم که به‌نظر می‌رسد که واژه دودمان نیز برگرفته از همین اصل باشد؛ یعنی دودی که از آتش خانه بر می‌خیزد. همچنین، در طبقه‌بندی طایفه‌ای هر طایفه به چند «تش» تقسیم می‌شود؛ یعنی هر پسری که ازدواج می‌کند صاحب آتشی اختصاصی بوده و به طبع آن تکثر خاندان و عامل شناسه هر خاندان بوده است و هر فامیل را به یک «تش» متنسب می‌نمایند (ر.ک: قتبی عدیوی، ۱۳۹۱: ۳۹). همان‌گونه که در ایران باستان نیز آتش نماد تقسیم قدرت و وابستگی خانوادگی بوده است.

دوم. کارکرد منفی آتش در بختیاری بدین گونه است که هرگاه می‌خواهند فردی را نفرین کنند گاهی می‌گویند:

«تش به جونت بیفته»

Tāč be jonet beyofte

برگردان: «نیست و نابود شوی».

و یا «تش به هونت بیفته»

Tāč be hoonat beyofte

برگردان: «آتش به خانه‌ات بیفت و از هستی ساقط شوی».

در این نفرین‌ها به‌خوبی بر کارکرد مخرب و ویرانگر آتش اشاره شده است و نیز

هرگاه فردی دچار مصیبت می‌شود و عزیزی را از دست می‌دهد، می‌گوید:

«تش وست به جونم»

Tāč vaste be junom

برگردان: «آتش به جانم افتاد».

و یا اگر فرد دچار ضرر و زیان مادی می‌شود، می‌گوید:

«تش وست به هونم»

Tāč tash vaste be hoonam

برگردان: «آتش به خانه‌ام افتاد».

پژوهشی درباره آین سوگند خوردن (ور) در قوم بختیاری علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

همچنین، هرگاه فردی دچار مشغله فکری و گرفتاری شدید می‌شود در اصطلاح
می‌گویند: «تش مِنه سَرس ایسوسه

Tāč mene sares esose

برگردان: «آتش در سرش می‌سوزد».

از سوی دیگر، بختیاری‌ها قائل به ویژگی اهریمن‌ستیزی آتش نیز هستند و معتقدند که آتش افروختن سبب گریختن نیروهای اهریمنی از فضایی که آتش در آن افروخته شود، می‌شود؛ از جمله مظاهر این باور برافروختن آتش هنگام زیمان زنان است که معتقدند آتش هرگونه پلیدی و نیروهای اهریمنی را از مادر و کودکش دور نگه می‌دارد (کد ۹).

در اوستا نیز در یشت نوزدهم، اشاره به پیکار ایزد آذر با دیوان شده است و بختیاری‌ها نیز به این وجه آتش اعتقاد دارند و این باور اهریمن‌ستیزی آتش در مثل‌ها وارد شده و برای مثال، بختیاری‌ها در رویارویی با شرایط بحرانی که باید به خود توجه داشته باشند، می‌گویند:

«تش واکنیم پری نرنمون»

Tāč vākonim pary nazanemoon

برگردان: «آتش برافروزیم تا اهریمن به ما صدمه نزند یا در پناه آتش باشیم در برابر پیشامدهای منفی».

بختیاری‌ها معتقدند که آتش را باید آلوده نمود و چیزهای ناپاک در آتش انداخت و هرگز نباید به حریم و حرمت آتش توهین شود (کد ۷). نقش دیگر آتش در مراسم سوگند و آزمون ایزدی نمودار می‌شود که در ایران باستان به منزله نماد پاک‌سازی به آن توجه شده است (ستاری، ۱۳۷۳: ۴۶). آزمون آتش با هدف تشخیص حق از باطل انجام می‌گرفت و «احتمالاً یک سنت ماقبل زرتشتی برای اثبات بی‌گناهی بوده است» (کرتیس، ۱۳۹۰: ۵۱).

سوگند به آتش در بختیاری‌ها سابقه‌ای طولانی دارد و به نوعی به ایران باستان ختم می‌شود. بختیاری‌ها به آتش به منزله یک نماد مقدس می‌نگرند تا جایی که به آن سوگند یاد می‌کنند مثلاً می‌گویند:

«به ئى تش قسم»

Be ēi Tāč ghasam

برگردان: «به این آتش قسم».

و نیز هرگاه فردی مظنون به خطا و اشتباهی می‌شد و یا در مطان اتهام قرار می‌گیرد او را به ادای سوگند در برابر مقدسات وادار به سوگند می‌کنند و یکی از این مقدسات آتش است و جالب اینکه فرد اگر گناهکار باشد، هرگز راضی نمی‌شود به دروغ سوگند به آتش یاد نماید؛ چون معتقد‌نند سوگند دروغ به آتش توان جبران‌ناپذیری دارد (کد ۲). در ایران باستان نیز برای اثبات بی‌گناهی از ورگرم استفاده می‌شد بدین گونه که برای اثبات بی‌گناهی هر فرد باید از آتش عبور نماید اگر به وی صدمه‌هایی وارد نمی‌شد او بری از خطا بوده است و چنانچه آتش در روی اثر می‌نمود به معنای خطاکار بودن فرد مورد امتحان بود. بارزترین جلوه آیین دادرسی با آتش در ادبیات ایران زمین، معمولاً با گذر سیاوش از آتش در شاهنامه شناخته می‌شود (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۳: ۱ / ۳۲۱ - ۳۲۵). «داستانی که هر چند در شاهنامه و در سده چهارم ه.ق. شکل می‌گیرد؛ اما به دوران پیشاورت‌شی تعلق دارد» (زاویه و مافی تبار، ۱۳۹۲: ۱۰۹). احترام به اجاق آتش در نزد این قوم اهمیت بسیار دارد، به‌گونه‌ای که هرگز آب در درون اجاق نمی‌ریزند و به آن سوگند می‌خورند:

«به تشن و چاله هُونت قسم»

Be Tāčo čāle hōnat ghasam

برگردان: «به اجاق آتش خونه‌ات سوگند».

آن‌ها حتی بر روی زغال‌های روشن نیز آب نمی‌ریزند.

۴ - ۳. سوگند خوردن به آب روان

در ایران باستان آب همانند آتش، خورشید، ماه، درخت و سایر نمودهای طبیعی دارای جایگاه و قداستی ویژه است. سوگند به آب در نزد بختیاری‌ها، به این دلیل است که آب خاصیت تطهیرکنندگی دارد و تمیزدهنده گناه از بی‌گناهی است. نگاه بختیاری‌ها به آب همچون سایر عناصر طبیعی، نگاهی قدسی و معنوی است تا جایی که به منزله منبعی قدسی به آن سوگند می‌خورند و نیز آسودن آن را به ناپاکی‌ها گناهی نابخشندی می‌شمارند. از سوی دیگر، علاوه بر ماهیت اصلی آب - که منشأ حیات است - برخی نمادهای دیگر نیز همچون باران و چشمه هر کدام به فراخور حال خود دارای ارزش و

قداستی معنوی هستند که به واسطه حضور آب و نقش غیرقابل آن در این نمادها و نزد بختیاری‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. از مهم‌ترین نمودهای ادبی سوگند به آب نزد قوم بختیاری می‌توان به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به ای اوو روون قسم»

Be ei ãwo ravõn ghasam

برگردان: «به این آب روان سوگند».

«به ای اوو روون بی فاطمه زهراء(س)»

Be ei ãwo ravõn bi fatemeh zahra

برگردان: «به این آب روان که متعلق به فاطمه زهراء(س) است، سوگند می‌خورم». آناهیتا، ایزدبانوی آب، باران، باروری و برکت‌دهنده چشمها و نهرها در مذهب ایران باستان است (هینلز، ۱۳۹۳: ۷۹). با ورود اسلام به ایران، نقش الهه بودن و آسمانی بودن آناهیتا به حضرت زهراء(س) دگردیسی پیدا می‌کند و آب مهریه حضرت زهراء(س) در نزد شیعیان ایران‌زمین می‌شود. به همین دلیل نزد قوم بختیاری به آبی سوگند می‌خورند که متعلق به حضرت زهراء(س) است.

۴ - ۴. سوگند خوردن به آفتاب و ماه

یکی از مظاهر طبیعی که نقشی ویژه و ممتاز در باور بختیاری‌ها دارد، آفتاب است. در بختیاری‌ها رسم بر آن بوده است که به هنگام طلوع آفتاب نیایشی رمزآلود با خورشید داشته باشند.

با طلوع خورشید دستی به آسمان کشیده و سپس بر صورت خود می‌کشند تا از پاکی و انرژی خورشید بهره‌مند شوند. بختیاری‌ها معتقدند که این نیایش و سایر نیایش‌ها هر کدام وظیفه‌ای خاص در بهبودی زیست آفریدگان خالق مطلق دارد (کد ۱۲).

آنگاه که خورشید از پس کوه سر به در می‌آورد، این مردمان ساده و بی‌آلایش نیایش خود را آغاز می‌کردند. در ایران باستان نیز این شکل نیایش حیاتی چشمگیر داشته است (ر.ک: هینلز، ۱۳۹۳: ۵۹).

در کتاب خرد اوستا، از جمله نیایش‌ها به پنج نیایش برای پنج ایزد بزرگ اشاره شده است که در این میان خورشید نخستین ایزدی است که بر آن درود فرستاده می‌شود. در بین بختیاری‌ها رسم بر این است به واسطه قداستی که آفتاب در نزدشان دارد، بدان سوگند یاد می‌کنند. از مهم‌ترین نمودهای ادبی سوگند به آفتاب در نزد قوم بختیاری می‌توان به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به همی تیغه افتون قسم»

Be hami tighayeh aftō ghasam

برگردان: «به همین تیغه آفتاب قسم».

«به ای نور تجلی قسم»

Be ei noore tajali ghasam

برگردان: «به تجلی نور خورشید قسم».

«به ای نور پاک قسم»

Be ei noore pak ghasam

برگردان: «به این نور پاک قسم».

«به ای نور خورشید قسم»

Be ei noore khorshid ghasam

برگردان: «به نور خورشید قسم».

«به ای تیشه روز منور»

Be ei tishayeh rooz monavar

برگردان: به این تیشه، سلاح روز پرنور قسم».

نzd عشاير بختياری، هرگاه فردي به گاه غروب آفتاب و شب وفات می‌يافت خروسی را بالاي سر متوفی می‌بستند که اين امر به واسطه نقش خروس به منزله روان جاودانه خورشید بوده است تا به اين واسطه اهريمن تيرگي بر روان فرد متوفی صدهمه‌ای وارد ننماید (کد ۱۹). اگر چه شايد امروزه خيلي از بختياری‌ها دليل اين کار را نمي‌دانند؛ اما هنوز که هنوز است بدان معتقد هستند.

علاوه بر آفتاب، ماه عنصر دیگری است که بختياری‌ها بدان سوگند می‌خورند. سوگند به ماه نزد اين قوم معمولاً شب‌هنگام اتفاق می‌افتد. از مهم‌ترین نمودهای اين نوع سوگند می‌توان به موردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به ای ماه عزيز کرده خدا»

Be ei mah aziz kardayeh khoda

برگردان: «به این ماه عزیز شده خدا سوگند می‌خورم».

۴ - ۵. سوگند خوردن به زمان

زمان نزد قوم بختیاری بسیار مهم است و هرگونه نفرین یا دشنام به آن عواقب بسیار سختی دارد. اهمیت زمان در نزد این قوم سبب شده است تا آنان به آن سوگند بخورند و متناسب با زمان خاص به لحظات آن سوگند می‌خورند. در هنگام صبح معمولاً به این لحظه از زمان سوگند می‌خورند:

«به ای صب پاک قسم»

Be ei sobeh pak ghasam

برگردان: «به این صبح پاک سوگند می‌خورم».

در هنگام ظهر سوگند خوردن چنین است:

«به دل ظهر قسم»

Be dele zohr ghasam

برگردان: «به دل ظهر سوگند می‌خورم».

و در شب نیز:

«به حق ای شو خسنه منده»

Be haghe show khasah mandah

برگردان: «به حق این شب خسته‌شده سوگند می‌خورم».

یا:

«به ای شو عزیزگرده خدا»

Be ei show aziz kardayeh khoda

برگردان: «به این شب عزیزشده خدا سوگند می‌خورم».

معمول‌آ بیشتر سوگند خوردن به زمان در نزد این قوم در روز اتفاق می‌افتد؛ نخست اینکه آنان در روز بیشتر به فعالیت و کار می‌پردازند و روز را نماد الهی و پاکی می‌دانند و دوم، علاوه بر نماد پاکی، معتقدند که روز شفاف و روشن است و فعالیت در آن نیز سرشار از رحمت الهی است (کدهای ۱، ۹، ۱۰). به همین دلیل سوگند خوردن به روز روشن در نزد آنان بسامد بالایی دارد:

«به ای روز پاک قسم»

Be ei rooz pak ghasam

برگردان: «به این روز پاک سوگند می خورم». نکته مهم این است که سوگند به زمان بیشتر نزد زنان رایج است و معمولاً برای رفع اتهام‌هایی همچون دروغ‌گویی، غیبت، تهمت و شبیه این‌هاست.

۴ - ۶. سوگند خوردن به نان و نمک

نمودی دیگر از سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری، سوگند به نان و نمک است. چنین سوگندی زمانی است که اگر شخصی گناهی را مرتکب شود (مدعی)، برای اثبات آن باید به نان و نمکی که از آن شخص خورده است (مدعی‌علیه) سوگند بخورد: «به ای نون و نمکی که با هم خوردیم»

Be ei nononamaki keh ba ham khardim

برگردان: «به این نان و نمکی که با هم خوردیم، سوگند می خورم». و معتقدند که اگر شخص گناهکار سوگند دروغ بخورد، نان و نمک او را کور و خانه‌اش را ویران می‌کند. به همین دلیل، آنان بسیار سخت و در مواردی نادر تن به چنین کاری می‌دهند (همه کدها).

۴ - ۷. سوگند خوردن به جان عزیزان و اموات

سوگند خوردن به جان عزیزان و اموات، نمودی چشمگیر و به خصوص در نزد زنان بختیاری دارد. همچنین، در هنگام معامله و برای نشان دادن صداقت کار به جان عزیزان یا اموات خود سوگند می‌خورد. البته، سوگند به جان عزیزان رایج‌تر از سوگند خوردن به اموات است. سوگند به جان فرزند و دایی بزرگ‌تر از سوی مادر خانه و سوگند به جان فرزندان از سوی پدر خانه انجام می‌گیرد (کد ۱۲، ۱۱). سوگند به روح اموات و به خصوص بزرگ خاندان یا شهید بیشتر از سوی زنان انجام می‌گیرد. آن‌ها با توجه به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران^۸، معتقدند که شهیدان همیشه زنده‌اند و در قیامت شفاعت آنان را می‌کنند، به همین دلیل بهندرت و بیشتر در موقعی که معتقدند گفتارشان کاملاً صحیح است، به روح شهید سوگند می‌خورند.

۴ - ۸. سوگند گل به گردن ریختن

معمولًاً چنین سوگندی هنگامی اتفاق می‌افتد که دو طرف دعوا می‌خواهند صحت و درستی گفتار خویش را هنگام جایه‌جایی «سنگ سامون» اثبات کنند (کدهای ۱۵، ۹، ۸). «سنگ سامون» سنگی است که میان زمین‌های تقسیم شده گذاشته می‌شود و حدومرز زمین‌ها را مشخص می‌کند. اگر چنین سنگی از سوی هر یک از مالکان زمین جایه‌جا شود، نزاع و درگیری را درپی دارد؛ زیرا زمین در نزد این قوم دارای اهمیت بسیار بالایی است و تقریباً آن را مساوی با ناموس (زن) می‌دانند (کدهای ۱۵، ۹). دلیل این مساوی دانستن زن و زمین را می‌توان در عنصر زایندگی و برکت‌بخشی جست‌وجو کرد. از آنجا که بنیان کشاورزی، زمین است، بدیهی است که زن و زمین با هم پیوند می‌یابند. زن همچون زمین زاینده است و این باور بنیادین که مادر، نماد زمین است در سراسر گیتی رواج داشته است (ر.ک: الیاده، ۱۳۷۲: ۲۴۲). معمولًاً در پندهای پیرزنان به جوانان، از جمله این پند که دو چیز برایت برکت می‌آورد، یکی زن و دیگری زمین؛ زایندگی و برکت را می‌توان مشاهده کرد.

آن‌ها برای درستی حدومرز خود ابتدا به سوگند خوردن به آتش، آب روان، جان عزیزان، اموات و... متولّ می‌شوند و در صورت حل نشدن قضیه، یکی از همسایگان مالک را که زمینش در نزدیکی آن‌هاست، به منزله میانجی می‌پذیرند تا سنگ را به درستی سر جای خود قرار دهند. اگر یکی از دو طرف دعوا، همسایه را هم قبول ندادسته باشد، به شخص مدعی تقاضا می‌شود که مقداری خاک بر گردن خود بربیزد و بگوید:

«خاک قیومت و گردنم که سامون اینجونه»

Khake ghiyoumat va gardanom ke samoon enjoneh

برگردان: «خاک قیامت را به گردنم می‌گیرم که سنگ سامون اینجاست». اگر وی چنین کند، گفتار او را می‌پذیرند و سنگ را همان‌جا می‌گذارند و عمل سوگند خوردن نیز پذیرفته می‌شود. در مصاحبه با چند تن از مردم بختیاری مشاهده شده که یکی از همسایگان بدین طریق زمین دیگری را صاحب شده است و به‌دلیل سوگند دروغ دیگر در آن زمین هیچ گیاهی رشد نکرد و همیشه دچار علف‌های هرز و یا آفات دیگر شده است. آنان معتقدند که خداوند برکت را از آن زمین برداشته است

(کدهای ۱۲، ۲). به همین دلیل امروزه به سختی قبول می‌کنند که خاک به گردن خود بربیزند مگر اینکه بر صحت گفتار خویش اعتماد کامل داشته باشند.

۵. نتیجه

پس از جمع آوری و بررسی داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی و همچنین، بررسی منابع گوناگون می‌توان چنین گفت که اهمیت سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری، آخرین راهکار برای اثبات درستی کلام و تشخیص درستکار از نادرستکار است. سوگند به آتش، اجاق آتش، تیغه آفتاب، آب روان، نان و نمک، زمان، جان عزیزان، اموات، گل به گردن ریختن و آزمون لقمه‌گیر از مهم‌ترین جلوه‌های سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری است که سوگند به زمان (روز روشن)، جان عزیزان و اموات، آتش، آب روان و نان و نمک نمودی چشمگیر و جنبه‌های ادبی بسیار دارند. همچنین، سوگند به آب روان، آتش، آفتاب، زمان و آیین لقمه‌گیر نمودی اساطیری دارند که می‌توان ردپای آنان را در شاهنامه و نیز در اوستا مشاهده کرد.

جدول ۱: مقوله‌ها و کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

کدهای مرتب	نمونه مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها	مؤلفه‌های انتخاب شده پژوهش
۷، ۱ ۱۳، ۱۱ ۷، ۱	۱. «کلکله برد»؛ شخصی میزانی هیزم در کوه جمع می‌کند، تعداد هفت‌ستگ از بزرگ به کوچک بر روی آن‌ها می‌گذارد و این مال را به یکی از امامان یا امامزاده‌ها و اگذار می‌کند. ۲. هرگونه تجاوز به سوگند فوق عذابی سخت برای آنان به همراه دارد. ۳. سوگند «کلکله برد» بیشتر به امامزاده‌هایی که قبرشان در محل زندگی آنان است.	آیین سوگند خوردن به قرآن کریم و مقدسات
۱۴، ۱۳ ۱۶	۱. در شب اجازه نمی‌دهند که آتش از محیط خانه خارج شود؛ زیرا معتقدند آتش به منزله بخشی از حیات و زندگی این خانواده در تیرگی شب مورد تازش نیروهای اهریمنی واقع می‌شود.	آیین سوگند به آتش و اجاق آن
۹، ۳ ۱۵، ۱۲		

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (ور) در قوم بختیاری علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

۲۱،۱۸	۲. خاموشی آتش را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌کنند، بهویژه معتقدند که آتش را نباید با آب خاموش کرد؛ زیرا معتقدند که دو عنصر برگرفته از نور نباید به ستیز برخیزند.	آیین سوگند خوردن به آفتاب و ماه
۱۹،۱۰،۹	۳. «او به چاله ریز»، «آب درون چاله (اجاق) ریختن» فردی خاطری و نالائق بوده که نوعی گستاخ و ناتوانی در عملکرد او بوده است.	
۲۱،۱۴،۱	۴. بین بختیاری‌ها مردها به منزله سمبول و نشان هر خانواده به شمار می‌آیند و اگر مردی صاحب پسر نمی‌شود او را «اجاق‌کور» می‌گویند.	
۸،۱	۵. بختیاری‌ها معتقدند که آتش را نباید آلوده کرد و چیزهای ناپاک در آتش انداخت و هرگز نباید به حریم و حرمت آتش توهین شود.	
۷	۶. معتقدند سوگند دروغ به آتش تاوان جبران ناپذیری دارد.	
۲	۱. نزد عشایر بختیاری هرگاه فردی به گاه غروب آفتاب و شب وفات می‌یافتد خرسی را بالای سر متوفی می‌بستند که این امر به واسطه نقش خروس به منزله روان جاودانه خورشید بوده تا به این واسطه اهریمن تیرگی بر روان فرد متوفی صدمه‌ای وارد نکند.	
۱۹،۶،۵،۴	۱. بیشتر سوگند خوردن به زمان در نزد این قوم در روز اتفاق می‌افتد.	آیین سوگند خوردن به زمان
۱۰،۹،۱	۲. آنان در روز بیشتر به فعالیت و کار می‌پردازند و روز را نماد الهی و پاکی می‌دانند و دوم، علاوه بر نماد پاکی، معتقدند که روز شفاف و واضح است و فعالیت در آن نیز سرشار از رحمت الهی است.	
۱۰،۹	۱. چنین سوگندی هنگامی اتفاق می‌افتد که دو طرف دعوا می‌خواهند درستی گفتار خود را هنگام جابه‌جایی «سنگ سامون» اثبات کنند.	آیین سوگند گل به گردن ریختن
۱۵،۹،۸	۲. اگر چنین سنگی از سوی هر یک از مالکان زمین جابه-جا شود، نزاع و درگیری را دربی دارد؛ زیرا زمین نزد این قوم دارای اهمیت بسیار بالایی است و تقریباً آن را مساوی با ناموس (زن) می‌دانند.	
۱۵،۹		
۲۰		

پی‌نوشت‌ها

۱. همپیکاران به معنای طرفین دعواست و پیشمار و پسمار، مدعی و مدعی علیه هستند (ر.ک: پورداود، ۱۳۲۱: ۲۸۷).
۲. «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَنْقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْمٌ» (بقره/۲/۲۴۴).

منابع

الف) منابع کتابخانه‌ای

- قرآن کریم.
- اوتستا (۱۳۹۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. تهران: مروارید.
- وندیداد (۱۳۷۶). ج ۱ (مقدمه فرگردهای ۱ - ۴). ترجمه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها از هاشم رضی. تهران: فکر روز.
- الیاده، میرجا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بختیاری، علیقلی‌خان و عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر (۱۳۶۲). تاریخ بختیاری. تهران: اساطیر.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۲۱). «سوگند». مهر ایران. س ۷. ش ۵ و ۶. صص ۲۸۱ - ۲۹۲.
- تاراپور، والا (۱۳۶۰). «محاکمه و داوری ور در ایران باستان». ترجمه هاشم رضی. چیستا. ش ۵. صص ۵۵۴ - ۵۷۵.
- جهاندیده، عبدالغفور (۱۳۹۶). «پژوهشی درباره آیین ور در بلوچستان». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۶. صص ۳۸ - ۱۹.
- حیدری، دریا (۱۳۹۲). «سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش». پژوهشنامه ادب حماسی. س ۹. ش ۱۶. صص ۳۵ - ۶۱.
- رهبر، علی (۱۳۴۸). «سوگند و ردپای آن در ادبیات پارسی». کاوه. ش ۲۱. صص ۱۲۴ - ۱۳۵.
- زاویه، سعید و آمنه مافی تبار (۱۳۹۲). «بررسی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران باستان». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی. س ۹. ش ۳۰. صص ۱۰۱ - ۱۲۸.

پژوهشی درباره آین سوگند خوردن (ور) در قوم بختیاری علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

- ستاری، جلال (۱۳۷۳). رمز و مثل در روان‌کاوی. تهران: طوس.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴). «مبانی روش‌شناسنامه پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». راهبرد فرهنگ. ش ۲۹. صص ۶۱ - ۹۱.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشه‌های پهلوی. تهران: توسع.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). شاهنامه. ج ۱. پیرایش جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱). امثال و حکم بختیاری. شهرکرد: ایل.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). فولکلور مردم بختیاری. شهرکرد: نیوش.
- کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۹۰). اسطوره‌های ایرانی. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- گال، مردیت و همکاران (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی. ترجمه احمد رضا نصر اصفهانی. تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۸۴). مزدیستا و ادب فارسی. تهران: دانشگاه تهران.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۷). دین‌های ایرانی. ترجمه منوچهر هوشنگ. تهران: آگاهان ایده.
- هینزل، جان‌راسل (۱۳۹۳). شناخت اساطیر ایران. ترجمه محمد‌حسین باجلان فرخی. تهران: اساطیر.

ب) منابع میدانی (مصاحبه‌شوندگان)

- حاجی‌بور، البرز. ۵۶ ساله. خوزستان. مسجدسلیمان. روستای چهاربیشه. کد ۴.
- سروستانی، عباس. ۷۴ ساله. خوزستان. باغملک. روستای آب گندو. کد ۶.
- فتحی، عبدالله. ۶۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. میانکوه فلارد. روستای سپیدار. کد ۱۲.
- قاسمی سپاس، سوارعلی. ۷۰ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای گلهشور. کد ۱۹.
- کاظمی، صفرعلی. ۷۰ ساله. خوزستان. مسجدسلیمان. اندیکا. روستای چهرو. کد ۲۱.
- کیانی، خان‌علی. ۵۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای شلیل. کد ۱۸.
- موسایی، رستم. ۷۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. کوهرنگ. بازفت. موچان. کد ۱۷.
- موسوی‌نظری، سید رمضان. ۷۶ ساله. خوزستان. اینده. روستای چمریحان. کد ۱۴.
- مؤمنی، فرج‌الله. ۶۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای لندی. کد ۹.
- صالحی، کشود. ۶۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. پشتکوه فلارد. روستای خرپشته. کد ۱۱.
- قربانی، صفدر. ۷۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. میانکوه فلارد. روستای گنداب. کد ۳.
- بیژنی، خداداد. ۶۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. روستای خنگ. کد ۲.

- موسوی، سیامک. ۶۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. لرگان. روستای بیدله. کد ۷.
- قاسمی سپاس، گودرز. ۷۲ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. سرخون. روستای سرمور. کد ۱۵.
- بمانی، بروز. ۷۰ ساله. خوزستان. ایذه. روستای تاشار. کد ۸.
- ظفری، زامیاد. ۷۳ ساله. خوزستان. ایذه. روستای دره اشگفت. کد ۱.
- شیرانی، راهخدا. ۶۵ ساله. خوزستان. باغملک. روستای روذبیر. کد ۵.
- شیرانی، مهدی. ۷۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای ریگک. کد ۱۰.
- سپاس، زریر. ۷۵ ساله. خوزستان. باغملک. روستای تنگ پلنگی. کد ۱۶.
- سپاس، زریر. ۷۵ ساله. خوزستان. مسجد سلیمان. روستای چشمہ زالوک. کد ۱۳.
- کریمی، رضا. ۶۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. کوهرنگ. بازفت. روستای دره هندو. کد ۲۰.

A Study on the Ritual of Oath Taking in Bakhtiari

**Alireza Khajeh Gir¹ * Mohsen Ganji² Hassan Zolfaghari³
Mahmoud Aghakhani Bijan⁴**

1. Assistant Professor of Religions and Comparative Mystics, Shahrekord University.
2. MA Student of Contemporary Literature, Shahrekord University.
3. Associate Professor of Persian Langauge and Literature, Tarbiat Modares University of Tehran.
4. Phd in Epic Literature, Isfahan University

Received: 23/12/2019

Accepted: 26/01/2020

Abstract

The oath has long been manifested in culture and literature in a variety of ways. In this study, the patterns of swearing in Bakhtiari people is analyzed. Oaths of fire, fire stoves, blades of sun, running water, bread, nuns, temples, devotees, underworlds, and thugs are the most important examples of swearing among the people of Bakhtiari. The importance of taking an oath to this people is the last way to prove the truth of the word and to distinguish the righteous from the wrongdoer. In this study, while studying the types of oaths in Bakhtiari people, the literary characters and their mythological aspects are investigated as well. This research is fundamentally based on the field-based library study and qualitative content analysis. After examining various sources and analyzing the literary and mythological aspects of swearing among the Bakhtiari people, it can be said that the ritual is a remnant of the same ritual in ancient Iran. Also, the oaths of fire, bread and salt, time, running water, sun and souls of the beloved ones are among the most important and common manifestations of oath taking among these people that have many literary and mythological aspects. The function of oath is to prove the truth of the word and recognize the true from false.

Keywords: Popular culture; Bakhtiari tribe; mythological themes; Var ritual; oath taking.

*Corresponding Author's E-mail: a.khajegir1350@gmail.com

